روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
یکشنبه | ۶ بهمن ۱۳۹۸ | ۳۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ | ۲۶ ژانویه ۲۰۲۰ | سال دوازدهم | شماره ۲۸۵۲ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان
| ۱۱۸۱ سال و ۸۱ روز گذشت |
VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.2852 | SUN.JAN.26, 2020 | ISSN:2008-2886

پیام رهبر انقلاب به پنجاه‌وچهارمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا

حوادث اخیر از ظهور یک پدیده یکتا در جهان خبر می‌دهد

صفحه ۲

به بهانه حضور ۲ فیلم دفاع مقدسی در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر

جنگ دور از جبهه

صفحه ۸

با وجود پنهانکاری گسترده درباره تعداد کشته‌ها و زخمی‌های آمریکا در حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد حالا کاندیداهای دموکرات انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا ابعاد جدیدی از سانسور آمار تلفات این حمله را افشا می‌کنند

دروغ می‌گویی مثل ترامپ!

صفحه ۷

اظهارنظر نابجای وزیر خارجه در گفت‌وگو با هفته‌نامه اشپیگل

ظریف: امکان مذاکره با آمریکا پس از ترور سردار سلیمانی غیرمحتمل نیست من هرگز چنین امکانی را رد نمی‌کنم

مذاکره با قاتل حاج قاسم؟!

صفحه ۲

تیترهای امروز

جلسه انتخاباتی روحانی با خاتمی، ناطق نوری و جهانگیری پنجشنبه هفته گذشته برگزار شد

نشست بازنده‌ها

صفحه ۲

گزارشی درباره آخرین وضعیت جمعیت هلال احمر

یک جمعیت در جست‌وجوی رئیس!

صفحه ۴

با دستور وزارت خزانه داری آمریکا صورت گرفت

تحریم علیه خبرگزاری فارس

صفحه ۲

بسته اقتصادی

«وطن امروز» در گفت‌وگو با علی سعدوندی، استاد دانشگاه ولونگونگ استرالیا، ابعاد مختلف اجرای عملیات بازار باز توسط بانک مرکزی را بررسی کرد

عملیات ضد بازار باز

■ سال آینده با اجرای این سیاست شاهد افزایش تورم خواهیم بود

گزارش «وطن امروز» از سناریوهای هدفمند برای زمینگیر کردن بخش‌های مختلف اقتصاد کشور

فاز رسانه‌ای جنگ اقتصادی

ضرورت تقویت نظارت بانکی در طرح بانکداری

نورافکن بر بانک‌ها

صفحات ۳ و ۵ را بخوانید

حمایت کیفری از نهاد شورای نگهبان

[فهیم مصطفی‌زاده*]

یادداشت

یکی از مهم‌ترین نهادهایی که در قانون اساسی در جهت پاسداشت دستاوردهای انقلاب، اسلام و نظام جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده و وظایف مهم و خطیری بر عهده آن گذاشته شده، «شورای نگهبان» است. یکی از این وظایف خطیر، نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست‌جمهوری و مجلس خبرگان رهبری است تا از این طریق از ورود افرادی که با موازین اسلام، اصول و مبانی جمهوری اسلامی ایران و نیز احکام و فرامین رهبری نظام زاویه دارند به مجالس شورای اسلامی و خبرگان و نیز قوه مجریه جلوگیری به عمل آید، چرا که ورود افراد ناصالح و مخالف با مبانی نظام جمهوری اسلامی به نهادهای تصمیم‌گیر، نظام جمهوری اسلامی ایران را از درون تهی خواهد کرد و در درازمدت چیزی جز یک شکل و بزک از آن نخواهد ماند. البته این حرف به معنای خالص بودن تمام نهادها و ارگان‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز نیست و چه بسا بسیاری از تصمیمات و ناکارآمدی‌ها و عدم تحقق اهداف عالیه نظام که در ذیل اصل دوم قانون اساسی مقرر شده است، ناشی از نفوذ و ورود افراد ناخالص به این نهادها و ارگان‌هاست اما انگیزه نگارش این مقال، بررسی و تبیین جایگاه یا اهمیت جایگاه شورای نگهبان نیست، بلکه هجمه‌هایی است که این روزها در فصل انتخابات به نهاد شورای نگهبان فارغ از اعضای آن از طرف اشخاص گوناگون در کسوت‌های مختلف می‌شود و این نهاد حیاتی در جمهوری اسلامی را تضعیف می‌کند که نتیجه مستقیم و غیرمستقیم آن، به نوعی حمله به قانون اساسی و مبانی جمهوری اسلامی است، لذا اینجاست که بحث حمایت حقوقی از جمله حمایت کیفری از نهاد شورای نگهبان پیش می‌آید. در همین راستا لازم است چند نکته را متذکر شوم.

۱- حقوق کیفری رشته قدرتمندی است و باید از آن به عنوان آخرین راه‌حل برای مقابله با یک رفتار ضداجتماعی و آسیب‌رسان استفاده شود یعنی برای جلوگیری از یک رفتار ضداجتماعی و آسیب‌رسان باید ابتدا سعی شود از ابزارهای غیرکیفری استفاده شود و اگر آن ابزارهای غیرکیفری برای کنترل یک رفتار آسیب‌رسان موثر نبود، در آن صورت می‌توان برای کنترل آن رفتارهای آسیب‌رسان به حقوق کیفری متوسل شد. همچنین برای کنترل هر رفتاری، جایز نیست به حقوق کیفری متوسل بشویم، بلکه باید زمانی به حقوق کیفری متوسل شد که یکی از ارزش‌های مهم و اساسی جامعه مورد تهدید و آسیب واقع می‌شود. شورای نگهبان یکی از نهادهای مهم و موثر است که در قانون اساسی پیش‌بینی شده و حفاظت از قانون اساسی، شرع، مبانی و اهداف نظام، تفسیر قانون اساسی و همچنین نظارت بر انتخابات گوناگون را بر عهده دارد. بدون شک چنین نهادی با وظایف خطیرش را می‌توان به عنوان یکی از اساسی‌ترین ارزش‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران دانست، چرا که تضعیف و حمله به آن، معنایی جز تضعیف و حمله به قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی ندارد. بنابراین هیچ شکی نیست که باید در راستای حفظ جایگاه و شأن نهادی شورای نگهبان، به حقوق کیفری و ابزارهای آن توسل جست. همچنین هجمه‌های اخیر به نهاد شورای نگهبان چه از طرف مقامات دولتی و چه از طرف مقامات غیردولتی نشان می‌دهد تدابیر و اقدامات غیرکیفری صورت گرفته تاکنون برای مقابله با این هجمه‌ها و تضعیف جایگاه نهادی شورای نگهبان موثر نبوده است و ضرورت دارد در راستای حفاظت از جایگاه این نهاد مهم و موثر از حقوق کیفری استفاده شود، چرا که هجمه‌ها و انتساب رفتارهای غیرواقعی به این نهاد موجب بدبینی مردم نسبت به شورای نگهبان و در نهایت انتخابات می‌شود به طوری که در درازمدت در نتیجه تبلیغات و اقدامات ضدشورای نگهبان، این ذهنیت و باور در شهروندان ایجاد خواهد شد که انتخابات به صورت واقعی وجود ندارد و شرکت در انتخابات بیهوده است. چه خسران و آسیبی بالاتر از این برای نظام جمهوری اسلامی می‌توان متصور شد؟! زیرا مردم و حضور آنها در صحنه همواره یکی از نمادها و نمودهای جمهوری اسلامی ایران بوده و هست و حمله به این نماد و نمود، آسیبی شدید به نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

۲- در حال حاضر در قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران، عناوین مجرمانه‌ای وجود دارد که با استناد به آنها می‌توان هجمه‌کنندگان و تضعیف‌کنندگان شورای نگهبان را تحت تعقیب کیفری قرار داد. از جمله این عناوین می‌توان به تشویش اذهان عمومی، فعالیت تبلیغی علیه نظام، توهین و افترا اشاره کرد و حتی در مواردی که نشر اکاذیب به صورت گسترده باشد، می‌توان رفتار آنها را مشمول اتهامات سنگینی دانست. به عنوان مثال رئیس دفتر رئیس‌جمهوری به نقل از یکی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی گفته است که دلیل رد صلاحیت‌شان حمایت از برجام بوده است و این مطلب سبب شده روزنامه ایران تیتری را تحت عنوان «حمایت از برجام، علت رد صلاحیت» در شماره روز پنجشنبه ۳ بهمن‌ماه درج کند. سوالی که اینجا پیش می‌آید این است که همین کلام رئیس دفتر رئیس‌جمهور و به تبع آن مدیرمسؤول روزنامه ایران و نیز مطالب مشابه، تحت چه عناوین جزائی قابل تعقیب و در خور چه پاسخ کیفری است؛ پاسخی که دارای خاصیت بازدارندگی عام و خاص در حفاظت از جایگاه شورای نگهبان باشد. در پاسخ به سوال مذکور می‌توان عناوین جزائی زیر را پیشنهاد داد:

۲-۱- به موجب ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأسا یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحا یا تلویحا نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از ۲ ماه تا ۲ سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود». بسیاری از هجمه‌ها که این روزها و حتی قبل‌ها به شورای نگهبان شده و می‌شود، مطالبی کذب بوده که هیچ‌گاه توسط گویندگان یا نسبت‌دهندگان قابل اثبات نیست و اقدام گویندگان یا نقل‌کنندگان صرفا در راستای تشویش اذهان عمومی و ایجاد حس بدبینی در جامعه نسبت به شورای نگهبان و زیر سوال بردن عملکرد این نهاد بوده و در تطبیق رفتار آنها اعم از نمایندگانی که این اکاذیب را به شورای نگهبان نسبت داده‌اند و مقامات و اشخاصی که گفته آنها را نشر داده و دستاویز حمله به شورای نگهبان قرار داده‌اند، با جرم نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی تردیدی وجود ندارد.

۲-۲- عنوان مجرمانه دیگری که بر اساس آن می‌توان هجمه‌کنندگان به شورای نگهبان را تحت تعقیب کیفری قرار داد، جرم افترا موضوع ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) است، زیرا مطابق ماده مذکور «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحا نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که موجب حد است، به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد. تبصره- در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد، هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید، مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد». در برخی موارد توسط مقامات دولتی و غیردولتی یا کاندیداها، اعضای شورای نگهبان به سوءاستفاده از اختیار و قدرت متهم می‌شوند، در حالی که مطابق ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵)، سوءاستفاده از مقام جرم است، لذا انتساب عمل مجرمانه به اعضای شورای نگهبان، مشمول افترا می‌شود.

۲-۳- بسیاری از هجمه‌ها به نهاد شورای نگهبان، به نوعی توهین به اعضای شورای نگهبان محسوب می‌شود و از این جهت نیز قابل تعقیب کیفری است، چرا که بر اساس ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) هر کس با توجه به سمت، به یکی از اعضای شورای نگهبان در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید، به ۳ تا ۶ ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق یا ۵۰ هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. بنابراین در صورتی که هجمه‌ها یا ابراز مطالبی بیانگر توهین به اعضای شورای نگهبان باشد، این مهم قابل تعقیب کیفری است و با توجه به اینکه توهین به اعضای شورای نگهبان در حال انجام وظیفه یا به سبب انجام وظیفه، واجد جنبه عمومی است، لذا مستقلا و بدون طرح شکایت از طرف اعضا، به وسیله مدعی‌العموم و دادستان قابل تعقیب کیفری است.

۲-۴- گاهی اوقات، هجمه به شورای نگهبان و تضعیف آن، به نوعی حمله به نظام و قانون اساسی و تضعیف نظام محسوب می‌شود، در این موارد عملکرد و رفتار هجمه‌کنندگان به نوعی فعالیت تبلیغی علیه نظام محسوب می‌شود و می‌توان آنها را به استناد ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) تحت عنوان فعالیت تبلیغی علیه نظام تحت تعقیب کیفری قرار داد، چرا که بر اساس ماده فوق، هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به هر نحو فعالیت تبلیغی کند، به حبس از ۳ ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

۲-۵- فراتر از عناوین مجرمانه فوق‌الذکر، برخی معتقدند در مواردی که نشر اکاذیب به صورت گسترده باشد و این امر موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور یا ناامنی یا ورود خسارت عمده به اموال عمومی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شود، مرتکبان را می‌توان تحت عنوان مفسد فی‌الارض تحت تعقیب قرار داد و مشمول مجازات اعدام دانست، چرا که بر اساس ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، هر کس به طور گسترده، مرتکب نشر اکاذیب یا معاونت در آنها شود، به‌گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شود، مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌شود.

با توجه به عناوین مجرمانه فوق‌الذکر و نیز حجم گسترده‌ای از هجمه‌ها و فعالیت‌های تبلیغی شکل‌گرفته علیه نهاد شورای نگهبان، به نظر می‌رسد در حفاظت از نهاد شورای نگهبان کمتر به پاسخ‌های کیفری توجه شده است و همین عدم استفاده از پاسخ‌های کیفری، هجمه‌کنندگان را نه‌تنها جری کرده و باعث تکرار هجمه و تبلیغ توسط آنها علیه شورای نگهبان شده، بلکه در هر دوره از انتخابات افراد جدیدی را به لیست حمله‌کنندگان به شورای نگهبان افزوده است.

* دانش‌آموخته دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی

دیدگاه حقوقی مشاور امنیتی سنا و وکیل پیشین سازمان سیا درباره ترور سپهبد قاسم سلیمانی

ترامپ طبق قانون کیفری آمریکا جنایتکار است

گزارش

علی آران: در حالی که ۳ هفته از شهادت سردار دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی در عملیات علنی تروریستی ارتش آمریکا به دستور شخص دونالد ترامپ می‌گذرد و کم‌تحرکی دولت غرب‌گرای روحانی و دستگاه سیاست خارجی‌اش در پیگیری حقوقی این جنایت در مجامع جهانی، سوالات و انتقادات جدی مطرح می‌کند؛ محمدجواد ظریف در گفت‌وگو با هفته‌نامه اشپیگل بار دیگر در اظهارنظری حیرت‌آور، گفته است: «هرگز امکان [مذاکره با آمریکا پس از ترور سردار سلیمانی] را رد نمی‌کنم، به شرط آنکه آنها رویکرد خود را تغییر دهند و واقعیات را به رسمیت بشناسند. از نظر ما مهم نیست چه کسی در کاخ سفید می‌نشیند، چیزی که اهمیت دارد نحوه رفتار آنهاست! دولت ترامپ می‌تواند گذشته‌اش را جبران کند! تحریم‌ها را بردارد و به میز مذاکره بازگردد! ما کماکان بر سر میز مذاکره هستیم».

این در حالی است که حتی حقوقدانان بین‌المللی نیز معتقدند پس از اقدام دولت ایالات متحده در ترور یک مقام نظامی رسمی یک کشور مستقل عضو سازمان ملل، در هرگونه ارتباط رسمی با دولت مرتکب این جنایت باید ابتدا مجازات و عقوبات آن را بر اساس موازین حقوق بین‌المللی در نظر گرفت. به عبارت دیگر در حالی که ایالات متحده و مجموعه‌ای از شرکای آمریکایی، اروپایی، عربی و آسیایی‌اش صرفا بر اساس قوانین داخلی آمریکا دست به اعمال تحریم‌های مختلف علیه دیگر کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران می‌زنند و به نوعی ارتباط خود با کشور قربانی را منوط به موازین حقوقی ساختگی و غیرالزام‌آور برای اعضای سازمان ملل می‌کنند، وزیر امور خارجه ما کاملا خارج از مدار همان دیپلماسی کلاسیک مورد ادعایش به سر می‌برد و آمریکایی را که در مقابل چشم جهانیان مرتکب ترور شده، برای تجدید مذاکره با کشورمان مستوجب هیچ مجازاتی نمی‌بیند.

آن هم در شرایطی که حتی سناتورها و حقوقدانان آمریکایی نیز به مجرمیت دولت و دستگاه نظامی خود در این غائله معترفند. برنی سندرز، نامزد پیشتاز حزب دموکرات برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده، به شهادت رساندن قاسم سلیمانی به دستور ترامپ را عملی مجرمانه معادل کشتن یک فرمانده پنتاگون توسط ایران دانست. از طرف دیگر یک حقوقدان امنیتی برجسته آمریکایی نیز دونالد ترامپ و دولت او را بر اساس قوانین جنایی کشورش مجرم معرفی کرده است.

«ویکی دیوول» که سابقه سمت وکیل کل کمیته انتخابی سنا در امور اطلاعاتی و همچنین دستیار وکیل کل سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) را دارد، در مقاله‌ای حقوقی برای روزنامه دیلی‌بیست آورده است: «پرزیدنت ترامپ با لاف زدن درباره آنچه ترور موفق ژنرال قاسم سلیمانی خوانده، به جرم خود مبنی بر سوءقصد به یک مقام حکومتی ارشد کشور ایران در حال سفر در یک کشور دیگر (عراق) اعتراف کرده است. از این منظر، رفتار و قصد وی با عناصر قتل عمد تحت بند ۱۱۱۱ از ماده ۱۸ قانون کیفری ایالات متحده دال بر «جنایت یا قتل نفس مقامات خارجی، میهمانان رسمی یا افراد تحت حفاظت بین‌المللی» مطابقت می‌کند. ما می‌توانیم و باید بحث کنیم که آیا قتل یک سوءقصد بوده یا نقض نرم‌های بین‌المللی ولی هیچ‌یک از این جرائم توسط کنگره در چارچوب قوانین کیفری تدوین نشده‌اند، پس آنها (کنگره) در این مورد برشی ندارند. در عین حال ممنوعیت ترور در یک دستورالعمل اجرایی (ریاست‌جمهوری) یافت می‌شود که رئیس‌جمهور هم از آن مستثنا نشده است. درباره هنجارهای بین‌المللی، از جمله پیروی از اصول دیرینه اخلاق برای جنگ عادلانه، خب! نادیده انگاشتن هنجارها روال کار ترامپ است و هوادارانش او را برای همین دوست دارند. با این حال، مقررات قانون کیفری ایالات متحده، همه افراد، از جمله روسای جمهور را ملزم به رعایت می‌کند. آنها با اینکه دندان‌های بسیار برانی دارند، نمی‌توانند سرپیچی کنند. با صدور دستور حمله پهپادی برای قتل ژنرال سلیمانی، به نظر می‌رسد ترامپ طبق قانون فدرال اقدام به قتل کرده است».

خانم دیوول به عنوان استاد دانشگاه هاروارد و مدیر موسسه سیاست در این دانشگاه معتقد است کنگره نباید درباره اقدام تروریستی ترامپ تبعیض قائل شود و در ادامه می‌نویسد: «کنگره در واکنش به قتل ورزشکاران المپیکی اسرائیلی (رژیم صهیونیستی) در آلمان و سایر اقدامات تروریستی در سراسر جهان، بند ۱۱۱۶ از ماده ۱۸ قانون مربوط را علیه «آدمکشی یا قتل مسؤولان خارجی» به تصویب رساند.

بر این اساس «هرکس» اقدام به قتل یک مقام خارجی، میهمان رسمی یا شخص تحت حمایت بین‌المللی کند، مجازات خواهد شد».

او که خود یکی از تدوین‌کنندگان قانون اقدام میهن‌پرستانه در کنگره آمریکا به شمار می‌رود، در عین حال اقدام تروریستی دولت آمریکا را جرمی بین‌المللی قلمداد می‌کند: «کنگره پس از امضای کنوانسیون سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۳ برای ممانعت از حمله به مقامات خارجی و سایر اشخاص محافظت شده هنگام مسافرت و انجام امور تجاری در سراسر دنیا، بند ۱۱۱۶ از ماده ۱۸ را گسترش داد تا وزارت دادگستری (ایالات متحده) از صلاحیت خارجی (برای برخورد با مجرمان) برخوردار باشد. بدین ترتیب ترامپ بدون نیاز به استیضاح و به‌رغم این عقیده کهنه و غبارآلود وزارت دادگستری (ایالات متحده) مبنی بر اینکه نمی‌توان در حین کار (به عنوان رئیس‌جمهور) برای او کیفرخواست صادر کرد، به این خاطر که دستور قتل ژنرال سلیمانی، یکی از مقامات ارشد ایرانی در عراق را صادر کرده، ناقض بند ۱۱۱۶ محسوب می‌شود. وزارت دادگستری نیز صلاحیت رسیدگی و پیگرد قانونی او درباره تخلف از آن قانون را داراست».

ادامه در صفحه ۷